

نقش دانشجویان در تحولات سیاسی اجتماعی از دیدگاه امام

(خمینی ره)

چهارشنبه ۲۴ آبان ۱۳۸۵



چنانکه مقام معظم رهبری

فرمودند دانشجویان فرزند این کشور است و امروز که سر و صدای بحثهای

جناحی و گروهی تقریباً فروکش کرده، ضروری است دلسوزان و عاقلان

درباره این قشر و نقش مؤثر آن در جامعه، بحثهای خود را فارغ از

گرایشات سیاسی و جناحی مطرح نمایند تا جامعه بتواند از ثمرات وجود این

قشر بیشتر بهره‌مند گردد. از این رو در این نوشته قصد داریم با مروری بر

اندیشه های حضرت امام درباره دانشجویان و نقش اجتماعی آنها؛ راهنمایی

پیش روی دلسوزان و علاقهمندان به این قشر قرار دهیم تا با توجه به نوع

اندیشه و عمل امام درباره ی دانشجویان، بتوانند بحث های روشنگرانه و

عمیقی داشته باشند.

چکیده:

در سالهای اخیر به دلیل فعالیت بیشتر دانشجویان در عرصه های

سیاسی و اجتماعی و نیز به دلیل برخی زیاده رویها و وقوع حوادثی نظیر

هجدهم تیرماه ۷۸ و حادثه خرم آباد؛ مسائلی دانشجویان و نقش آنها در

جامعه، موضوع روز بسیاری از گزارشات، تحلیل ها و مقالات گردیده است.

گذشته از گزارشات و تحلیلهای مغرضانه خارجی درباره حرکتهای

دانشجویی، افراد و گروههای داخلی نیز با توجه به خاستگاه سیاسی،

اجتماعی، اقتصادی و علمی خود سخنی در این باب مطرح کردند. در میانهی

بحثها و اظهار نظرها، درگیریهای لفظی بین برخی گروهها و دستجات در گرفت. گروهی متهم شد به اینکه قصد استفاد ابزاری از دانشجویان را برای چانه زنی در بدست گرفتن قدرت بیشتر دارد. گروه دیگر متهم شد به اینکه قصد دارد دانشجویان را به پیاده نظامی علیه حاکمیت تبدیل کند. کسان دیگری متهم شدند به اینکه اساس دانشگاه را توطئه غرب می دانند و به دانشجو به چشم یک عنصر تربیت یافته غرب نگاه می کنند. اظهار نظرها و بحثهای دلسوزانه و راهگشا در میانه این غوغاها گم شد و حاصل؛ خسارتی است که دانشجو و دانشگاه می بینند و ضرری که در نهایت عاید جامعه اسلامیمان خواهد شد.

چنانکه مقام معظم رهبری فرمودند دانشجو فرزند این کشور است و امروز که سر و صدای بحثهای جناحی و گروهی تقریباً فروکش کرده، ضروری است دلسوزان و عاقلان درباره این قشر و نقش مؤثر آن در جامعه، بحثهای خود را فارغ از گرایشات سیاسی و جناحی مطرح نمایند تا جامعه بتواند از

ثمرات وجود این قشر بیشتر بهرهمند گردد. از این رو در این نوشته قصد

داریم با مروری بر اندیشه های حضرت امام درباره دانشجویان و نقش

اجتماعی آنها؛ راهنمایی پیش روی دلسوزان و علاقه‌مندان به این قشر قرار

دهیم تا با توجه به نوع اندیشه و عمل امام درباره ی دانشجویان، بتوانند

بحث های روشنگرانه و عمیقی داشته باشند. ان شاءالله.

درباره ی نقش اجتماعی و سیاسی دانشجویان تا کنون نظریه های مختلفی

مطرح شده است. در اینجا قبل از بررسی نظرات امام خمینی (ره) در باره

نقش اجتماعی و سیاسی دانشجویان به برخی از این نظریه ها به طور اجمال

میپردازیم.

یک نظریه بر آن است که دانشجویان، عامل «رهایی بخش انقلابی» در جامعه

ی جدید هستند. بر اساس این دیدگاه پویایی و منازعات اصلی در جامعه ی

جدید، حول تعارض میان صاحبان صنعت (بورژواها) و کارگران صنعتی

دور میزند. همان طور که پیش از قرن بیستم بورژواها یک طبقه رهایی

بخش انقلابی در انتقال جامعهی فئودالی به سوی جامعهی صنعتی (سرمایه داری) بودند، هم اکنون این طبقه‌ی کارگر رهایی بخش است که میکوشد جامعه مبتنی بر استثمار صنعتی (سرمایه داری) را به جامعه برابر سوسیالیستی تبدیل کند. در این دیدگاه نقش رهایی بخش دانشجویان به دو گونه «تفسیر انقلابی» میشود؛ اول گفته میشود، با این که طبقه کارگر صنعتی نیروی رهاییبخش است، اما این نیرو در چنبره فریب ایدئولوژی طبقه بورژوا گرفتار است و این دانشجویان هستند که به آگاهی انقلابی و رهایی بخش مسلح هستند و سبکیال و چالاک در برابر فریب دوران؛ کارگران را هدایت کرده و پیش می‌برند. در تفسیر دوم؛ سخن این است که جامعه سرمایه‌داری و صنعتی چنان سیطره بوروکراتیک و تکنوکراتیک خود را بر سراسر جامعه، از جمله طبقه کارگر مسلط و تثبیت کرده که طبقه کارگر از نقش رهایی بخش خود بازمانده است. لذا در زیر سلطه بوروکراتیک جامعه سرمایه داری، تنها اقشار حاشیه ای جامعه از جمله قشر

دانشجو (که مستقیماً زیر سلطه قرار ندارند)، میتوانند نقش رهایی بخش خود را در انتقال تعارضات جامعه سرمایه داری ایفا کنند. بنابراین در هر دو تفسیر، دانشجویان، نیرویی رهایی بخش و انقلابی تلقی میشوند که قصد دارند جامعه نابرابر سرمایه داری را به سوی جامعه برابر سوسیالیستی حرکت دهند.

برخلاف نظریه ی اول، یورگن هابرماس، دانشجویان را یک «عامل انقلابی»

همچون طبقه کارگر صنعتی در نظر نمی گیرد. از نظر او حرکت جمعی و

فراگیر دانشجویان یک «عرصه نمادین» را در جامعه به وجود می آورد که

از طریق آن «عرصه عمومی» که زیر فشار هژمونی دستگاههای تبلیغی،

سیاسی و اقتصادی رسمی قرار دارد، تا حدی فراخ میشود. از نظر او اگر

«عرصه عمومی نقد» از اقتدار سیاسی و اقتصادی دولت و گروههای

قدرتمند آزاد نباشد، حتی دموکراسی های پارلمانی می توانند آفت زا شوند

و نابرابری ساختاری را تشدید کنند، لذا دانشجویان با تکرار حرکت های

جمعی، نشستهای عمومی و بیانیه های خود به آزاد سازی فضای عرصه عمومی به نفع کل جامعه کمک می کنند و صاحبان قدرت رسمی اعم از سیاسی، اقتصادی و تبلیغی، مجبور میشوند حساب کار خود را کرده و دست و پای خود را در برابر افکار عمومی جمع کنند. از این رو در دیدگاه وی دانشجوی یک نیروی رهایی بخش انقلابی نیست، بلکه نیرویی «نمادین» است که رهاییبخشی را از طریق اثر گذاری بر عرصه عمومی نقد و افکار عمومی در جامعه دنبال میکند.

نظریه سومی وجود دارد که معتقد است دانشجویان در جامعه، عامل و مولد «فرهنگ جدید سیاسی» هستند. از این منظر آدمیان و شهروندان پیش از آنچه در زندگی روزانه از عقل حسابگر خود فرمان بگیرند از «فرهنگ» جامعه فرمان میگیرند، یعنی از همان الگوهایی که در جامعه «جا افتاده» و مردم بدون اینکه در صحت و سقم آنها واریسی کنند از آنها پیروی می کنند. از این زاویه بخش اعظم سیاست در جامعه از طریق الگوهای فرهنگ

سیاسی جامعه شکل میگیرد. معمولاً فرهنگ و خصوصاً فرهنگ سیاسی به مرور زمان تحت سیطره و هژمونی سیاسی - تبلیغی دستگاههای رسمی و حاکم بر جامعه شکل میگیرد. در چنین شرایطی دانشجویان با حرکتیهای جمعی و تکرار شعارهای خود، به تدریج فرهنگ سیاسی جدیدی را در برابر فرهنگ سیاسی رسمی موجود در جامعه ایجاد می کنند. به بیان دیگر دانشجویان نقش روشنفکران توزیع کننده را بازی میکنند، به این معنا که از میان اندیشه های روشنفکران در خصوص مفاهیم و نظریات گوناگون، تعدادی از آنها را که مرتبط با نیاز زمانه تشخیص می دهند، انتخاب کرده و به طور مرتب به عنوان مطالبات خود در حرکتیهای دانشجویی تکرار میکنند و همین تکرار مفاهیم به تدریج جای خود را برای ظهور یک فرهنگ و رفتار سیاسی جدید در جامعه باز میکند.

امام خمینی (ره) از سال ۱۳۴۰ به بعد که به صورت گسترده وارد مبارزه علیه حاکمیت طاغوت گردید، همواره دانشجویان را به عنوان یک قشر مؤثر

در نظر داشته است و علیرغم وضعیت فرهنگی، اجتماعی و فکری آن دوران که فاصله زیادی بین حوزه و دانشگاه و مردم وجود داشت و دانشگاه پدیده تقریباً ناشناخته ای بود و رسانه های گروهی به دلیل عدم پیشرفت و گستردگی و توسعه نتوانسته بودند مردم را با دانشگاه آشنا کنند، ایشان با دانشجو سخن گفته و آنها را دعوت به دخالت در روند تحول نموده است و اتفاقاً نقش اساسی در تحول را به دانشجویان واگذر میکنند.

در آن زمان حوزه از نظر دانشگاه متهم به تحجّر و دانشگاه از طرف حوزه متهم به بیدینی بود اما امام در چنین شرایطی از قشر دانشجو غافل نبود و به خوبی از نیرو و توان این قشر در ایجاد تحول، آگاهی داشت. ایشان در سال ۱۳۴۳ فرمودند: «بر اساتید دانشگاه است که جوانان را از آنچه زیر پرده است مطلع کنند.»

در سال ۱۳۴۶ نیز فرمودند: «بر شما جوانان روشنفکر است که از پانثینید تا خواب رفتهها را از این خواب مرگبار برانگیزانید و با فاش کردن خیانتها و

جنایتهای استعمارگران و پیروان بیفرهنگ آنها، غفلت زده ها را آگاه نمائید و

...» امام خمینی همچنین از ایجاد اختلاف بین حوزه و دانشگاه توسط

دشمن کاملاً آگاه بود و لذا به دانشجویان گوشزد میکردند که متوجه این

توطئه باشند و همین تذکرات امام بود که باعث شد در سال ۵۷؛ روحانی و

دانشجو در کنار هم در پیروزی انقلاب اسلامی نقش بسیار مؤثری ایفا

نمودند و از این رو حضرت امام خود را در شکستن توطئههای دشمن در

ایجاد اختلاف بین دو قشر دانشجو و روحانی موفق دید و فرمود: «حال

فهمیدید که اگر چنانچه آخوند و دانشگاهی و دیگر قشرها با هم باشند، یک

همچو کاری بزرگی میکنند.»

دانشجو و سیاست

نقش سیاسی دانشجو در کلام امام به دو بخش قبل و بعد از انقلاب تقسیم

میشود. امام خمینی در قبل از انقلاب اسلامی نقش دانشجویان را در تحولات

سیاسی، اساسیترین نقشها میداند. مبارزه علیه نظام حاکم و تلاش برای

پیشبرد نهضت و تحول و کمک به مردم در ایجاد تحول، از جمله نقشهایی

است که امام برای دانشجویان قائل بود. ایشان همچنین نقش سیاسی

دانشجو را در مصادیقی همچون افشای نقشههای استعمار و دشمنان که در

خارج از کشور از رژیم سلطه حمایت میکردند و با ایجاد تحول، ضدیت و

مخالفت میکردند، مهم میدانستند و میفرمودند:

«دانشجویان با استبداد مخالفند، با حکومتهای دست نشانده و استعماری

مخالفند، با قلدری و غارت اموال عمومی مخالفند، با حرام خواری و

دروغپردازی مخالفند». ایشان همچنین در مخالفت با طرح کاپیتولاسیون،

خطاب به دانشجویان فرمودند: «بر جوانان دانشگاهی است که با طراوت با

این طرح مفتضح مخالفت کنند، با آرامش و با شعارهای حساس، مخالفت

دانشگاه را به ملتهای دنیا برسانند».

حضرت امام پس از انقلاب اسلامی همواره از دانشجویان میخواست در صحنهای سیاسی از جمله انتخابات و دیگر فعالیتهای سیاسی به عنوان یک قشر تأثیر گذار حضور فعال داشته باشند. ایشان در سخنانی از اینکه دانشجویان از سیاست کناره بگیرند، اظهار ناراحتی نموده و فرمودند: «در دانشگاه بعضی از اشخاص رفتهاوند و گفتهاند که دخالت در انتخابات، دخالت در سیاست است و این حق مجتهدین است. تا حالا میگفتند که مجتهدین در سیاست نباید دخالت کنند، این منافی با حق مجتهدین است، آنجا شکست خورده اند، حالا عکسش را دارند میگویند، این هم روی همین زمینه است. اینکه میگویند انتخابات از امور سیاسی است و امور سیاست هم حق مجتهدین است هر دویس غلط است. انتخابات سرنوشت یک ملت را دارد تعیین میکند، انتخابات به فرض اینکه سیاسی باشد و هست، سرنوشت همه ملت را تعیین میکند یک دانشجوی جوان هم باید در سرنوشت خودش دخالت کند».

امام پس از پیروزی انقلاب، دانشجویان را مسؤل نگهبانی از انقلاب اسلامی میدانستند و همواره به دانشجویان سفارش میکردند برای اینکه بتوانند در قلب نهضت قرار داشته باشند و عامل حرکت نهضت باشند، نباید خود را از عموم مردم جدا کنند، زیرا در آن صورت مردم به دانشجویان اعتماد نمیکند.

به عبارت دیگر امام پس از پیروزی انقلاب اسلامی علاوه بر نقش سیاسی، بر نقش فرهنگی و اجتماعی دانشجویان نیز تأکید داشتند، زیرا ایشان تحول به معنای عام را فقط تحول سیاسی میدانستند بلکه معتقد بودند تحول سیاسی مقدمه ای برای تحول فرهنگی و جایگزینی ارزشهای الهی، به جای ارزشهای طاغوتی است. از این رو نقش دانشجویان را در تغییر ارزشهای حاکم در گذشته و تبدیل آنها به آرمانها و اعتقادات الهی بسیار اساسی می دانستند و میفرمودند: «اکنون ای جوانان عزیز و ای دانشجویان. امروز و فرداهای امت و اسلام؛ استقلال و آزادی و به شما عزیزان سپرده شده و

مسئولیت بزرگی به عهده همه گذاشته شده است. همه ملت و خصوصاً

دانشجویان مسلمان که رهبران آینده هستند مسئول نگهبانی از این امانت

بزرگ الهی میباشند».

دانشگاه و دانشجو

امام چه قبل و چه بعد از انقلاب اسلامی برای دانشگاه اهمیت ویژه ای قایل

بودند و اعتقاد داشتند: «ترقی مملکت به دانشگاه است». ایشان معتقد بودند

رژیم پهلوی باعث شده بود دانشگاهها پیشرفت نکنند، لذا میفرمودند: «اینها

دانشگاهها را با هر قدرتی که داشتند عقب نگه میداشتند، نمیگذاشتند که

اساتید ما، درست بجهای ما را تعلیم کنند این هم برای این بود که میدیدند

اگر چنانچه دانشگاه بطور صحیح عمل کند، مستقل باشد، بعد که این جوانها

که از دانشگاه بیرون بیایند ضد استعمار بیرون میآیند».

چنانچه ملاحظه میشود در اندیشهی امام، دانشگاه نقشی اساسی را در دادن

فکر سیاسی - اجتماعی به دانشجو دارا میباشد، از این رو میفرمودند: «نقش

دانشگاهها در هر کشوری ساختن انسان است. ممکن است از دانشگاه انسان

خارج بشود که یک کشور را نجات بدهد و ممکن است که یک انسان درست

بشود که کشور را به هلاکت بکشاند».

از نظر حضرت امام، اساتید دانشگاه ضمن انجام وظایف استادی میتوانند

در تربیت دانشجویان نقش مؤثری ایفا نمایند. ایشان میفرمایند: «ما اساتید

دانشگاهی را میخواهیم که آن اساتید بتوانند مغزهای جوانهای ما را مستقل

بار بیاورند.» ایشان همچنین خطاب به اساتید دانشگاهها میفرمایند: «اساتید

دانشگاه اگر واقعاً علاقه‌مندند که این کشور دوباره برنگردد به اوضاع سابق،

باید مواظب باشند. دانشگاهی‌ها، اساتید مواظب خودشان باشند، در تربیت

و مواظب بچه‌ها و جو آنها باشند در کارهایی که میکنند».

دانشجو و اقشار دیگر

از دید امام خمینی دانشجوی یک قشر آگاهی است که میتواند در اجتماع نقش مؤثری ایفا نماید، اما ایشان معتقد است دانشجوی برای اینکه بتواند نقش خود را کامل نماید باید در کنار سایر اقشار اجتماعی از جمله روحانیون، بازاریان، نظامیان و عامه مردم باشد. از مجموع ۱۲۵ پیامی که حضرت امام درباره نقش اجتماعی و سیاسی دانشجویان بیان داشته اند در ۱۱۰ پیام (۸۳٪) به همراهی و همیاری دانشجوی با روحانیون (حوزویان) تأکید کرده اند، در ۵ پیام (۳/۵٪) به همراهی دانشجویان با بازاریان اشاره کرده اند، در ۹ پیام (۶/۵٪) دانشجویان را به همراهی عامه مردم دعوت کرده و در یک پیام از آنان خواسته با نظامیان همراهی کنند. مرور بر اندیشه های حضرت امام (ره) نشان میدهد که امام در میان اقشار مختلف اجتماعی برای دانشجویان جایگاه ممتازی قائل است و همواره تأکید دارد که با قشر ممتاز دیگر یعنی حوزویان در ارتباط باشند تا بتوانند در تحولات، نقش محوری ایفا نمایند. امام معتقد بود توطئه ای در کار بوده و هست تا روحانی و

دانشجو را به جان هم بیاندازند و با استفاد از اختلاف آنان به کشور آسیب برسانند. ایشان معتقد بودند که دشمنان در این نقشه تا حدودی موفق شده بودند. ایشان در این رابطه می فرمایند: «یک جایی نقشه شان گرفت و آن جدا کردن روحانیت از دانشگاهها بود. یک روحانی حق نداشت، پیش خودمان حق نداشت از یک دانشگاهی صحبتی بکند. دانشگاهی هم آخوند را به نظرش میآمد که یک موجود مضر است که انگلیسیها آوردند گذاشتند اینجا.»

از این رو امام به دانشجویان توصیه میکرد در کنار سایر اقشار اجتماعی و به ویژه روحانیون قرار گیرند زیرا ائتلاف این دو قشر را ائتلاف هه ملت میدانستند.

نتیجه گیری

با توجه به نظریههایی که مطرح شد و با مرور اندیشه های حضرت امام

میتوان گفت که امام به دانشجویان به عنوان یک قشر بسیار مهم نظر داشتند

و معتقد بودند که اگر دانشجویان بتوانند در دانشگاه علم و ایمان را با

یکدیگر همراه سازند میتوانند به عنوان یک قشر تحصیلکرده محور

«روشنگری» اجتماعی را بدست گیرند. به عبارت دیگر دانشجو از نظر امام

عامل «روشنگری اجتماعی» است و زمانی میتواند موفق باشد که بتواند

آگاهی خود را در مسیر ارزشهای الهی بکار گیرد و خود را از اقشار دیگر و

به ویژه روحانیون جدا نسازد. میتوان گفت بخش مهمی از اظهارات امام

درباره دانشجویان به دانشجویان کشورهای تحت سلطه استعمار برمی

گردد و ایشان یکی از مهمترین روشنگریهای دانشجویان را آگاه ساختن

مردم از نقشهای استعماری میدانند و معتقداند دانشجویان عموماً ضد

استعمار هستند.